

#### رخداد

### صدور کيفرخواست عليه قاتل سربالی ز نان

■ **مهر:** عامل جنایت سربالی زنان در شمال کشور با صدور کيفرخواستـ به اتهام چهار قتل و سرقت به زودی در دادگاه کيفری استان مازندران محاکمه می‌شود. این متهم ۲۷ساله که مسعود نام دارد ابتدا فقط به کشتن دو خواهر متهم بود اما با ادامه یافتن تحقیقات، سومین جنایت را نیز گردن گرفت. پس از آن مشخص شد دو زن دیگر نیز با شیوه‌ای مشابه از پای درآمده‌اند. به همین دلیل اتهام مسعود به پنج قتل افزایش یافت تا اینکه در نهایت فاش شد او چهار نفر را قربانی کرده است. جسد زن جوانی که بر اثر شلیک گلوله به ناحیه سر به قتل رسیده بود روز ۲۴ بهمن سال ۸۹، در شهرستان آبیگ واقع در استان قزوین کشف شد. تلاش مأموران برای شناسایی هویت مقتول و قاتل ادامه داشت تا اینکه در ۱۲ اردیبهشت سال گذشته، جسد زن دیگری که براساس اعلام پزشکی قانونی او نیز بر اثر شلیک گلوله از سلاحی کمری به ناحیه سر به قتل رسیده بود در حوالی محل کشف جنازه اول، یافت شد. پس از آن در روز هشتتیر، جسد دو زن جوان که از لحاظ چهره به یکدیگر شباهت زیادی داشتند، در پارک جنگلی سیستانگان واقع در شهرستان نوشهر در فاصله ۵۰۰متری از یکدیگر کشف شد. این بار نیز هر دو مقتول از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفته بودند. تحقیقات برای شناسایی هویت اصلی مقتولان از سوی پلیس آگاهی نوشهر ادامه داشت تا اینکه دو روز بعد مردی با مراجعه به پلیس آگاهی نوشهر از مفقود شدن دو دخترش به نامهای «رجس» و «سترن» خبر داد و مشخص شد این دو همان مقتولان جنگل سیستانگان هستند. کارآگاهان دریافتند این دو خواهر که هر دو مطلقه بودند با فردی به نام «مسعود- پ» و همسرش «مهدخت» ارتباط داشتند. مأموران پلیس با اعزام به محل زندگی مسعود دریافتند او به تهران گریخته است، بنابراین مهدخت دستگیر و برای تحقیقات بیشتر به اداره آگاهی نوشهر منتقل شد. مهدخت که همسر دوم متهم است در بازجویی‌ها اظهار داشت همسرش با او در ارتباط است. به این ترتیب مسعود در یک ملاقات صوری دستگیر شد. مسعود که سابقه کلاهبرداری دارد، در بازجویی‌ها به قتل دو خواهر اعتراف کرد و اظهار داشت از طریق همسرش با «رجس» و «سترن» آشنا شد و روز حادثه به محل کارشان رفت و به بهانه‌ای آنها را سوار خودرواش کرد. سپس در بین راه با استفاده از آمیوه دو خواهر را بیهوش و به پارک سیستانگان منتقل کرد و پس از آنکه مقتولان را از خودرو پیاده کرد و آنها را به قتل رساند. طلاهایشان را به سرقت برد و به تهران گریخت. در ادامه از خودرو متهم، ماکاری از زن جوانی به هویت «مژگان» به دست آمد و معلوم شد این زن ساکن تهران بود اما به دلیل بیماری تنفسی مدتی بود که در شهرستان چالوس زندگی می کرد و چندی پیش مفقود شده بود. بنابراین تحقیقات از مسعود درخصوص این زن آغاز شد. مسعود در بازجویی به قتل مژگان نیز اعتراف کرد و اظهار داشت که با او به بهانه ازدواج، طرح دوستی ریخت و پس از جلب اعتمادش، او را به تهران کشاند و در بین راه، در حوالی سد کرج پس از خوردن آمیوه مسیوم با ضربات چاقو او را به قتل رساند و امواتش را به سرقت برد. این اعتراف‌ها در حالی ثبت شد که مأموران پلیس از کشف جسدی در حوالی سد کرج خبری دریافت نکرده بودند و از طرف دیگر شیوه قتل دو خواهر همانند قتل دو زن جوانی بود که اجسادشان در آبیگ قزوین کشف شده بود. بنابراین این فرضیه قوت بیشتری یافت که قاتل در قتل‌های اخیر نیز ضمیمه داشته باشد و فقط برای رد گم کردن، قتل در حوالی سد کرج را مطرح کرده است. کارآگاهان در ادامه تحقیقات دریافتند مژگان هویت مقتولی است که جسدش ۱۲ اردیبهشت امسال در قزوین کشف شد. در نهایت متهم از قتل مژگان و زنی دیگر به نام فاطمه پرده برداشت. او انگیزه خود را از قتل مژگان سربوش گذاشتن بر ارتباطش با این زن اعلام کرد و توضیح داد مژگان بارها او را تهدید کرده بود که اگر ترکش کند همسرش مهدخت را در جریان این ارتباط قرار خواهد داد. متهم درباره نحوه قتل چهارم نیز اظهار داشت، زمانی که در منزل استیجاری در متحده کنگر ساکن بود چند نفر تخلیه خانه با فاطمه که مستاجر جسد بود، آشنا شد و با او طرح دوستی ریخت و در روز حادثه او را به محل قتل کشاند و با شلیک گلوله به زندگی فاطمه نیز پایان داد و سپس اموال و طلاهایش را به سرقت برد. متهم در ادامه به بازسازی صحنه چهارم جنایت خود پرداخت و صحنه قتل‌ها را بر اساس اعترافاتش بازسازی کرد. اولیای دم چهار مقتول هم با مراجعه به دادسرا برای قاتل تقاضای قصاص کردند. با تکمیل تحقیقات در دادسرا بازپرس متهم را در چهار جنایت مجرم شناخت. با تأیید قرار مجرمیت از سوی قاضی حمزه صوری- دادستان نوشهر- پرونده مسعود و همسرش با صدور کيفرخواست به دادگاه کيفری استان مازندران فرستاده شد و قرار است به زودی جلسه محاکمه متهمان برگزار شود.

#### کلاهبرداری به بهانه پرداخت وام

■ **شرق:** کارآگاهان پلیس آگاهی استان گیلان، متهمی را که با معرفی خود به عنوان کارمند یکی از نهادهای دولتی از مردم کلاهبرداری می‌کرد، دستگیر کردند.

کارآگاهان در پی اعلام گزارش‌های مردمی مبنی بر اینکه فردی با معرفی خود به عنوان کارمند یکی از نهادهای دولتی از آنان با وعده اخذ وام کلاهبرداری

کرده است تحقیق در این خصوص را آغاز کردند و موفق

به شناسایی متهم به نام حبیب شدند و وی را در حین

کلاهبرداری از فرد دیگری دستگیر کردند. متهم که

ابتدا متکر اتهامات وارد شده بود بالاخره به شش فقره

جعل عنوان و کلاهبرداری به بهانه پرداخت وام اعتراف

کرد و با قرار صادره روانه زندان شد.

شرق: دختر و پسری ایرانی که فرزند یک بازرگان ثروتمند در سوئد را گروگان گرفته بودند محاکمه شدند و دادستان برای آنها درخواست ۱۴ سال زندان کرد.

پرستو دختر ۲۳ساله‌ای که دانشجوی رشته روانشناسی بود به همراه نامزد ۲۶ساله‌اش به نام محسن که در رشته پزشکی درس می‌خواند این آدم‌ربایی را انجام دادند. آنها برای اجرای نقشه خود از یک مرد ۲۶ساله سوئدی به نام «مگنوس داهلسکوگ» نیز که شغل اصلی‌اش پخش کننده روزنامه است، کمک گرفتند.

این نقشه توسط پرستو طراحی شد، او از پیش پسری ۲۵ساله به نام «الکساندر اوهمن» را که در دانشگاه شهر ایسلاا درس می‌خواند می‌شناخت. الکساندر فرزند یکی از تاجر متمول سوئد بود و پرستو می‌دانست می‌تواند با ربودن او مبلغ کلانی باج بگیرد. این دخترجوان بعد از جلب توافق نامزدش و مگنوس دست به کار شد و دو روز قبل از اسال او میلادی با استفاده از روباوش با الکساندر به خانه این پسر رفت و گفت او می‌خواهد شام را تهیه کند. پرستو برای شب کوکوی گوشت و مقداری دسر درست کرد و در آنها داروی خواب‌آور قوی به نام «ستیلونوکت» ریخت. پسر ثروتمند دقایقی بعد از صرف شام از حال رفت و فرصت برای اجرای مر مرحله دوم نقشه مهیا شد.

محسن و مگنوس که از قبل برای این آد‌م‌ربایی یک «ون» را کرایه کرده، جلوی در خانه الکساندر منتظر تماس پرستو بودند. آن دو به محض اینکه باخبر شدند طعمه‌شان از هوش رفته وارد منزل وی شدند و دست، پا، چشمان و دهان او را با نوار چسب نقره‌ای رنگ بستند و او را سوار بر صندلی چرخدار به ون منتقل کردند و سپس به سمت روستای «رورثت فروش» به راه افتادند.

پرستو و محسن چندماه قبل از این آد‌م‌ربایی با بانک «س‌بی‌بی» واقع در شهرستان ایشوینگ، سوئد مبلغ ۵۰ هزار «کرون» وام گرفته و با این مبلغ کلیه‌ای متروکه را که فاقد سیستم گرمایشی و برق بود در

شرق: دو اعدامی که حکم قصاص آنها قرار بود طی روزهای گذشته اجرا شود چند روز مهلت یافتند تا یکبار دیگر تلاش خود را برای گرفتن رضایت از اولیای دم انجام دهند. به گزارش خبرنگار ما، اولین اعدامی، زن ۲۸ساله معروف به عروس خون‌پس است که قرار بود صبح دیروز حکم قصاصش اجرا شود. این زن از شامگاه شششنبه برای اجرای حکم به سلول انفرادی برده شد و به خانواده‌اش خبر داده بودند او صبح چهارشنبه قبل از طلوع آفتاب اعدام می‌شود. چهارشنبه صبح زن جوان از سلول انفرادی بیرون آورده غسل داده شد و نمازش را خواند تا منتظر اجرای حکم بماند اما در واپسین دقایق خبر رسید اجرای حکم تا روز یکشنبه هفته آینده به تعویق افتاده‌است و این زن می‌تواند تلاش دوباره خود را برای جلب رضایت اولیای دم آغاز کند. عروس خون‌پس که از سال ۸۵ در زندان به سر می‌برد متهم است اخت‌ری ۱۰ساله را به قتل رسانده و جسدش را به آتش کشیده است. این زن جوان که در اعترافات اولیه‌اش گفته بود همدست داشت این اعترافات را پس گرفت و مدعی شد خودش به تنهایی قتل را انجام داده است. زن جوان بعد از

شرق: مرد جوان وقتی فهمید همسرش با مردی رابطه دارد و او را به خانه آورده است با همدستی برادرزنش این مرد را به قتل رساند. به گزارش خبرنگار ما، متهم که یک سال قبل مرتکب این قتل شده بود برای محاکمه در دادگاه کيفری استان فارس حاضر شد و جزئیات این قتل را توضیح داد. مأموران پلیس مرودشت خرداد سال گذشته جسد مردی را پیدا کردند که دست‌وپایش بسته شده و به قتل رسیده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی و انجام بررسی‌های اولیه مشخص شد این مرد قربانی یک قتل ناموسی شده است، چراکه مقتول با زنی جوان رابطه داشت. از طرفی پزشکی قانونی اعلام کرد مقتول به دلیل وارد شدن ضربات سنگین بر قسمت‌های حساس بدن از جمله سرش دچار خونریزی شدید مغزی شده و جانش را از دست داده است. همچنین پزشکی قانونی تأیید کرد ضرباتی که بر مقتول وارد شده بسیار زیاد بوده و باعث از بین رفتن نسج مغزی شده و ججمه‌اش از قسمت‌های مختلف شکسته و خرد شده است. با اعلام این نظریه

#### پنج قاره

شرایط تاسف‌بار او پی بیرد، این پسر که اکنون در بیمارستان و تحت معالجه است، به پلیس گفت: پدرم روزی یک یـا دو بار با کمربند چرمی مرا تنک می‌زد و سپس نمک و الکل روی زخم‌هایم می‌ریخت. مادر این پسر نیز به پلیس گفت: برای درمان زخم‌های بدن پسرمر اقدامات اولیه را انجام می‌دادم اما هیچ‌وقت سعی نکردم همسر را از اذیت و آزار پسرم منصرف کنم یا پسرمر را برای معالجه به بیمارستان ببرم.

**دستگیری معلمی که شاگردانش را می‌سوزاند**

■ **دبلی‌میل:** پلیس بنگلادش معلمی را به اتهام گذاشتن میله داغ روی بدن شاگردانش دستگیر کرد.

این معلم، ۱۴ دانش‌آموز دختر هشت تا ۱۲ساله را به این شیوه سوزانده است. مأموران پلیس توانستند به این که پس از شکایت والدین بدن‌دانش آموزان مخفی شده بود، در خانه‌ای در یک منطقه قدیمی

در «اکا» پیدا و دستگیر کنند. یکی از دانش‌آموزان گفت: او میله آهنی را داغ می‌کرد و آن را روی پاهای‌مان می‌گذاشت. دردش واقعاً غیرقابل تحمل بود. متهم تاکنون در رابطه با این اتهام اظهارنظری نکرده است.



روستای «رورثت فروش» خریده بودند. آدم‌ربایان بعد از منتقل کردن طعمه‌شان به مخفیگاه خود به شکنجه او تماس پرستو بودند. آن دو به محض اینکه باخبر شدند وی باج‌خواهی کنند. در روز بعد از این ماجرا در حالی‌که هنوز تماسی با پدر الکساندر گرفته نشده بود، این مرد ماجرای ناپدیدشدن فرزندش را به پلیس اطلاع داد و تیم ویژه‌ای از کارآگاهان به تحقیق در این رابطه پرداختند. آنها روز دو ژانویهسال جاری با ردیابی موبایل الکساندر متوجه شدند گوشی داخل خودرویی است که در بزرگراه شماره ۴ شهر به سمت شمال می‌راند به این ترتیب ماشین متوقف و پرستو و محسن دستگیر شدند. این دو مهر سکوت بر

## حکم عروس خون بس متوقف شد

صدور حکم قصاص مدعی شد وقتی در بازداشتگاه بود چند نفر از افراد بانفوذ شهر به دیدنش رفتند و از او خواستند قتل را به گردن بگیرد و همدستش را معرفی نکند و به او قول دادند نجاتش دهند. عروس‌خون‌پس چند روز قبل نامه‌ای به رئیس قوه‌قضاییه نوشت که بخشی از آن در روزنامه شرق منتشر شد. او در این نامه خواستار آن شد که پرونده‌اش بار دیگر رسیدگی شود. به این ترتیب اجرای حکم وی به تعویق افتاد. این متهم که در ۱۶ سالگی عروس‌خون‌پس شده بود تا انتقام‌گیری دو قبیله به پایان برسد در سال ۸۵ وقتی متوجه شد مادرشوهرش قصد دارد او را به خانه مادرش بفرستد و دختری دیگر را به عقد پسرش دربیارد دست به قتل زد. در تومین پرونده پسری که در هم در ۱۶ سالگی مرتکب قتل شده بود ۴۸ ساعت فرصت یافت تا یکبار دیگر برای به دست آوردن رضایت اولیای دم تلاش کند. این نوجوان متهم است در سال ۸۴ جوانی را به قتل رسانده و جسدش

## قتل مرد غریبه در خانه زن متاهل

ظن پلیس نسبت به ناموسی بودن این قتل قوت گرفت بنابراین روابط شخصی مقتول را مورد بررسی قرار داد و مشخص شد از مدت‌ها قبل او با زن متاهلی ارتباط برقرار کرده بود و به خانه او رفت و آمد داشت. با شناسایی این زن همسر او بازداشت شد و به قتل اعتراف کرد. او در توضیح آنچه اتفاق افتاده بود، گفت: مدتی بود که متوجه تغییر رفتار همسرم شده بودم اما مگر کی ندانستم که ثابت شد زنم با کسی رابطه دارد به همین دلیل هم او را زیر نظر گرفتم. موضوع را به برادرزنم گفته بودم و او هم قبول کرده بود در صورتی که آن مرد را پیدا کردم کمکم کند او را بکشیم. روز حادثه از طرفی متوجه شدم آن مرد جوان در خانه من است. بلافاصله به سمت خانه حرکت کردم. در راه با برادرزنم تماس گرفتم و گفتم چون قول داده‌ایم که عهدهش بپایند باشد. او هم گفت خیلی زود خودش را و آنها هم در خواست صدور حکم مرگ کردند. در ادامه

می‌کنند و در آخر هم من را می‌کشند و روی پاسپورت‌م مهر کشوری دیگر را می‌زنند تا همه تصور کنند من سوئد را ترک کرده‌ام و هیچ‌کس از سرنوشت‌م باخبر نشود.»

در حالی که الکساندر جزئیات آدم‌ربایی را فاش کرده بود دو جوان ایرانی در بازجویی‌ها جرم‌شان را انکار کردند و گفتند منظورشان از این کار فقط شوخی بود اما مگنوس جرمش را پذیرفت.

کارآگاهان در ادامه به تحقیق درباره پرستو و محسن پرداختند و فهمیدند این دو به اتهام سرقت ۲۱ دستگاه دوچرخه در شهرهای مالمو و لوند واقع در جنوب سوئد و همچنین به اتهام کلاهبرداری در رابطه با فروش یک آپارتمان در شهر لینشوپینگ تحت تعقیب قرار دارند و علاوه بر این پرستو در زمینه قاچاق موادمخدر نیز فعال است.

کارآگاهان همچنین پی بردند پرستو چندماه قبل از این آدم‌ربایی از یک ویدیو کلپ در شهر لینشوپینگ فیلمی به نام «تأییدشدن آلیس کرید» را اجاره کرده و با وجود اخطارهای صاحب مغازه آن را پس نداده است. این فیلم ماجرای دو آدم‌رباست که دختر یکی از تاجر ثروتمند را می‌ربایند، پرستو از روی این فیلم نقشه آدم‌ربایی را طراحی و اجرا کرده بود. بعد از به‌دست‌آمدن این جزئیات، پرونده سه متهم به دادگاه ارجاع شد و آنها چند روز قبل از این میز محاکمه رفتند. در این جلسه دادستان برای محسن و پرستو تقاضای ۱۴سال حبس کرد و گفت این آدم‌ربایی بسیار فجیع بود و متهمان الکساندر را در آن سرمای شدید در خانه‌ای بدون وسایل گرمایشی نگه داشتند و بارها او را شکنجه دادند، ضمن اینکه داروی خواب‌آوری که به خورد الکساندر دادند، مرگ‌آور است. دادستان همچنین برای مگنوس نیز ۱۰سال زندان درخواست کرد. بنا بر این گزارش در حال حاضر رسیدگی به این پرونده ادامه دارد و متهمان به‌زودی از خودشان دفاع خواهند کرد.

کشانده و بعد هم ضربات را طوری به سرش وارد کرده است که او بمیرد. هرچند او بارها این ادعا را تکرار کرد اما در جلسات محاکمه مدعی شد نمی‌دانست معنی نقشه قبلی چیست و در واقع برای پیدا کردن گنج مقتول را به محل کشانده بود و نه کشتن او. بعد از پایان جلسات بازجویی و محاکمه متهم با رای دادگاه به قصاصی محکوم شد و این حکم مورد تأیید دیوان‌عالی کشور هم قرار گرفت. چهار سال قبل وقتی متهم به ۱۸ سالگی رسید پرونده برای اجرای حکم به شعبه اجرای احکام رشت فرستاده شد تا اینکه چند روز پیش به خانواده این جوان خبر دادند که قرار است حکم قصاصش اجرا شود. در حالی‌که اجرای احکام گفته بود این حکم شششنبه اجرا می‌شود در آخرین ساعات روز دوشنبه خبر رسید حکم متوقف و به متهم یک هفته فرصت داده شده است یکبار دیگر برای جلب رضایت اولیای دم اقدام کند. بنا بر این گزارش در طول این سال‌ها متهم جوان و خانواده‌اش بارها از اولیای دم درخواست بخشش کرده و برای جلب رضایت به مقابل خانه آنها رفته اما موفق به جلب رضایت نشده‌اند.

متهم ردیف اول در جایگاه حاضر شد. او اتهام قتل را قبول کرد و گفت: من قصد کشتن آن مرد را نداشتم و فقط می‌خواستم تنبیه‌اش کنم اما ضربات محکم بودو او جانم را از دست داد. متهم ادامه داد: او با زن من رابطه برقرار کرده بود و باید تاوان این کارش را پس می‌داد تا بداند نباید چشم به ناموس دیگران داشته باشد. در ادامه متهم ردیف دوم در جایگاه حاضر شد. او هم اتهام قتل را قبول کرد و گفت: اینکه مردی با خواهر من که شوهر داشت رابطه برقرار کرده بود برای فامیل ما آبروبریزی بزرگی بود و باید این موضوع را حل می‌کردیم به همین دلیل هم قبول کردم با دامادمان همکاری کنم. این متهم گفت: ضربات را دامادمان وارد کرد و ضرباتی که من زدم خیلی نبود. ضمن اینکه من در بستن دست و پای او و انتقال جسد به بیرون از خانه نقش داشتم. سپس وکلای متهمان از موکلان‌شان دفاع کردند و بعد از پایان جلسه محاکمه هیات قضات شعبه پنجم دادگاه کيفری استان فارس برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.



### نجات معجزه‌آسا از اعماق چاه

فردی که در چاه ۱۵ متری سقوط کرده بود، به طرز معجزه‌آسایی نجات یافت. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران ساعت ۱۰:۲۱ دقیقه دیروز امدادگران از سقوط مردی ۴۵ساله داخل چاه به دلیل ریزش طوفه چاه فاضلاب منزل باخبر شدند و به محل حادثه در خیابان ابوذر رفتند. امدادگران در شرایطی که جان این مرد در خطر بود، توانستند با استفاده از ابزار ویژه وی را نجات بدهند. در این حادثه یکی از نیروهای امداد و نجات از ناحیه پا دچار مصدومیت شد.

#### حادثه‌ها

### جوان شیشه‌ای پدرش را گوسفند دید و ذبح کرد

■ **ایسنا:**رییس پلیس مبارزه با موادمخدر ناجا با اشاره به اعدام ۹ نفر از تولیدکنندگان و عناصر اصلی ترانزیت شیشه، گفت: گام اول اجرایی شدن قانون مبارزه با موادمخدر محکم برداشته شد. سردار علی مویندی با بیان اینکه امروز یکی از تهدیدات جدی در جامعه موادمخدر صنعتی است، گفت: قانون مبارزه با موادمخدر صنعتی در سال ۹۰ اجرایی شد و نیروی انتظامی در راستای تحقق اهداف در قانون مبارزه با موادمخدر صنعتی تمام امکانات را به کار گرفته تا بتواند به این اهداف دست یابد. مویندی با اشاره به تأثیر موادمخدر صنعتی در جسم و روح افراد افزود: اگر فردی به موادمخدر صنعتی مبتلا شود، خطرات ناشی از این اعتیاد هم نابودی خودش را به دنبال دارد و هم محیط خانواده و جامعه را به خطر می‌اندازد که کشتن و سلاخی کردن پدر و مادر و فرزند نمونه‌هایی از جرایم برخاسته از مصرف شیشه هستند. وی از قتل پدری که به‌دست فرزندش که مبتلا به اعتیاد موادمخدر شیشه بود در یکی از استان‌های غربی کشور خبر داد و افزود: فرد معتمد پس از دستگیری در تحقیقات انجام‌شده معترف شد پس از مصرف مخدر شیشه پدرش را به شکل گوسفندی دیده که باید او را بکشد و با همین توهمات پدرش را کشت و بدنش را قطعه‌قطعه کرد. مویندی با تأکید بر اینکه آگاهی داشتن مردم به ثبات منفی اعتیاد مصرف شیشه و اعتیاد به موادمخدر صنعتی یکی از ضرورت‌های امروز جامعه است، افزود: دستگاه‌های متولی این آگاهی‌بخشی به شهروندان را باید در دستور کار قرار بدهند. وی ادامه داد: در سال ۹۰ پلیس موادمخدر با تلاش مضاعف اطلاعاتی و فعالیت‌های پنهانی که انجام داد، توانست باندهای تهیه و توزیع موادمخدر را شناسایی کند و با هماهنگی قضایی کلان‌ن این فعالیت‌ها را به خطر انداخت و در این راستا دستگاه‌های قضایی احکام قطع و موثری را صادر کرد.

### کشف ۵۵ تخته فرش سر قتی دستباف

■ **شرق:** فردی که پس از سرقت ۵۵ تخته فرش دستباف از قالیشویی قصد داشت آنها را بفروشد، دستگیر شد. مأموران پلیس کرج در پی دریافت گزارشی مبنی بر سرقت ۵۵ تخته فرش و قالیچه دستباف از یک قالیشویی در ورامین و انتقال اموال سرقتی به کرج برای فروش به تحقیق در این رابطه پرداختند و پس از به دست آوردن آدرس متهم او را دستگیر کردند. این فرد در بازجویی‌ها جرمش را پذیرفت.

### سرقت مسلحانه از عتیقه‌فروشی

■ **پلیس خیر:** شش عضو بانندی که مسلحانه به عتیقه‌فروشی دستنبرده بودند، بازداشت شدند. سرهنگ موسی علیراهه، رییس پلیس آگاهی استان اردبیل در این‌باره گفت: به دنبال وقوع سرقت وسایل عتیقه به بازار زرگران و تعریب تعدادی مغازه توسط چند نفر درد و استفاده این افراد از سلاح گرم هنگام فرار رسیدگی به این زدوی به صورت ویژه در دستور کار پلیس آگاهی اردبیل قرار گرفت. وی افزود: با تلاش صورت‌گرفته و انجام تحقیقات گسترده و استفاده از تجهیزات الکترونیکی موجود در محل وقوع سرقت و جمع‌بندی انواع موارد، خودرو مورد استفاده دزدان پس از هشت ساعت به صورت بلاصاحب پیدا و در ادامه پس از ردزنی صورت‌گرفته ۱۵ قلم اشیای عتیقه به‌سرقت‌رفته نیز در نزدیکی خودرو ورهانشده در بیرون شهر کشف شد. رییس پلیس آگاهی استان اردبیل اظهار داشت: با کشف خودرو و اشیای عتیقه اولین سرنخ، به دست مأموران پلیس افتاد و کارآگاهان توانستند از دزدی‌بند سارقان مسلح را که در آن حوالی سکونت داشتند، برمال کنند. سرهنگ «موسی علیراهه» ادامه داد: در اقدامات صورت‌گرفته شش نفر از دزدان مسلح یکی پس از دیگری شناسایی و دستگیر شدند. این مقام انتظامی با اشاره به کشف اسلحه از دزدان مسلح خاطرنشان کرد: دزدان به ۷۳ مورد سرقت خودرو، مغازه، سیم کابل برق، احشام و… اعتراف کردند.

### قاچاقچی حرف‌های رازدار قتل مرد موئورسوار

■ **مهر:** زوایای پنهان یک قتل با دستگیری قاچاقچی حرف‌های مواد مخدر آشکار شد. خرداد سال گذشته پرونده قتلی در دادسرای عمومی و انقلاب قزوین مورد بررسی قرار گرفت که در جریان این حادثه مقتول به نام غلام که راکب موتوسیکلت بود حین رانندگی از سوی خودرو قاتل به سمت یک دستگاه کامیون منحرف شد و به علت جراحات شدید پس از ۱۶روز از وقوع حادثه جان سپرده بود. اواخر مهرماه همان سال شخصی به نام حمید به اتهام حمل مواد مخدر از نوع هرویین دستگیر شد و در جریان تحقیقات به دلیل عذاب وجدان به قتل راکب موتوسیکلت اعتراف کرد. حمید درخصوص نحوه آشنایی‌اش با مقتول اظهار داشت: در سال ۸۲ در زندان با یکدیگر آشنا شدیم و رابطه دوستی داشتیم اما پس از آزادی، از آنجا که موتوسیکلت غلام به سرقت رفته و او به من مظنون بود تصمیم به قتل من گرفت. او در یک فرصت مناسب در باغ‌های اطراف شهر مرا را با دشنه مورد ضرب و جرح قرار داد که به شدت زخمی شدم و مدت یک ماه بستری بودم. پس از این حادثه از آنجا که از غلام کینه به دل داشتم به‌طور اتفاقی او را در خیابان در حال موتورسواری مشاهده کردم. با خودرو خود به موتوسیکلتش ضربه‌ای وارد و مقتول را به زیر کامیون منحرف کردم. با توجه به اعترافات صریح و مقرون به واقع متهم، پرونده با صدور قرار مجرمیت و کيفرخواست برای صدور رای به دادگاه کيفری استان قزوین ارسال شد.